

بسم الله الرحمن الرحيم

### طایفه ظاهره (گروه پیروز)

(ترجمه)

پرسش:

احادیث صحیح بسیاری در مورد طائفه ظاهره (گروه پیروز) آمده است؛ تفسیر و توضیح احادیث چگونه است؟ قسمی که در بعضی از اقوال آمده آیا واقعیت این احادیث بر علمای اصول و یا علمای حدیث صدق می‌کند؟ و هم‌چنین گاهی می‌شنویم که این جماعه و یا آن گروه ادعای طایفه ظاهره بودن را دارد، چگونه می‌توانیم هویت اصلی این کتله را بشناسیم؟ الله سبحانه و تعالی برای شما اجر دهد.

پاسخ:

پاسخ به پرسش شما دو بخش دارد:

اول- تفسیر و توضیح احادیثی که در مورد طائفه ظاهره (گروه پیروز) است.

دوم- تطبیق و عملی کردن واقعیت احادیث در زندگی.

اما جزء اول که در مورد آن گروه احادیث بسیاری ذکر شده قرار ذیل است:

- بخاری از طریق مغیره بن شعبه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا يَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ»

ترجمه: همیشه مردمانی از امت من غالب و پیروز اند؛ تا این که دستور الله (سبحانه و تعالی) به آنان می‌رسد و آنان هم‌چنان پیروز اند.

- مسلم از طریق ثوبان روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَدَلَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ»

ترجمه: همیشه بخشی از امتم باحق - بر دشمنان - پیروز اند. هرکس سودای ناامید کردن شان را دارد، زیانی (دینی یا ایمانی) به آنان نمی‌رساند؛ تا این که دستور الله بیاید و آنان همین‌گونه (استوار) اند.

- مسلم از جابر بن عبد الله روایت نموده، از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌گفت:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ لَنَا فَيَقُولُ لَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ»

**ترجمه:** همیشه گروه از امت من تا روز قیامت به حق نبرد می‌کنند و غالب‌اند. فرمود: عیسی فرزند مریم علیه الصلوة والسلام فرود می‌آید و پیشوای‌شان به او می‌گوید: بفرما و ما را نماز ده. عیسی می‌گوید: نه؛ برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید؛ این بزرگداشت الله متعال برای این امت است.

- و هم‌چنان مسلم از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیثی را نقل کرده که فرموده است:

«وَلَا تَزَالُ عَصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

**ترجمه:** و پیوسته بخشی از مسلمانان بر اساس حق پیکار می‌کنند و تا روز قیامت بر مخالفین خویش غالب و چیره‌اند.

- مسلم از طریق عقبه بن عامر روایت نموده که من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌گفت:

«لَا تَزَالُ عَصَابَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ فَاهِرِينَ لِعَدُوِّهِمْ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ»

**ترجمه:** مداوم بخشی از امتم به خاطر دستور الله (سبحانه و تعالی) می‌جنگند و دشمنان‌شان را از بین می‌برند و مخالفان به ایشان زیانی (دینی و ایمانی) رسانده نمی‌توانند و تا وقتی که قیامت برپا می‌شود، به همین‌گونه استوار اند.

- و هم‌چنین از طریق معاویه روایت کرده، شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَائِمَةٌ بِأَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ أَوْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ عَلَى النَّاسِ»

**ترجمه:** پیوسته گروه از امت من دستور الله (سبحانه و تعالی) را برپا می‌دارند و رسواکنندگان و مخالفان، به ایشان زیانی (دینی و ایمانی) رسانده نمی‌توانند و تا دستور الله (سبحانه و تعالی) صادر شود، بر همین روش استوار اند.

- هم‌چنین ترمذی از طریق ثوبان روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ يَخْذُلُهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ»

**ترجمه:** همیشه بخشی از امتم با حق - بر دشمنان - پیروز اند. هرکس سودای ناامید کردن و رسوا نمودن‌شان را دارد، زیانی (دینی یا ایمانی) به آنان نمی‌رساند تا این‌که دستور الله (سبحانه و تعالی) (در برپایی قیامت) بیاید و آنان همین‌گونه (استوار) اند.

- ابوداود از طریق عمران بن حصین روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ حَتَّى يُقَاتِلَ آخِرُهُمُ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ»

ترجمه: مرتباً قسمتی از امتم بر اساس حق می‌جنگند و بر مخالفان‌شان چیره‌اند تا این‌که آخرین فردشان با دجال کارزار می‌کند.

هم‌چنین امام احمد از طریق جابر بن عبدالله روایت کرده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود:

سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

ترجمه: همیشه گروه از امت من تا روز قیامت به حق نبرد می‌کنند و غالب‌اند.

- و هم‌چنین احمد از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ لِعَدُوِّهِمْ قَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ إِلَّا مَا أَصَابَهُمْ مِنْ لَأْوَاءَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَيْنَ هُمْ؟ قَالَ: بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَأَكْنَفِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ»

ترجمه: پیوسته گروهی از امت من بر راه حق پیروز‌اند و بر دشمنان خود غالب‌اند، مخالفین به ایشان زیانی (دینی و ایمانی) نمی‌رسانند؛ مگر اندکی سختی معیشت می‌رسد و تا دستور الله (سبحانه و تعالی) صادر شود، به همین روش استوار‌اند. اصحاب رضی الله عنهم گفتند: یا رسول الله آن‌ها در کجا هستند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: در بیت المقدس و نواحی آن.

- و هم‌چنین در "الکبیر" آمده است:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ يَغْزُوهُمْ قَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ نَاوَأَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَيْنَ هُمْ قَالَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ»

ترجمه: پیوسته گروه از امت من بر راه حق استوار خواهند بود؛ بر کسانی که علیه‌شان پیکار می‌کنند پیروز می‌گردند و کسانی که با ایشان دشمنی کند، زیانی (دینی و ایمانی) به آن‌ها نمی‌رسانند تا این‌که دستور الله (سبحانه و تعالی) می‌آید. آن‌ها به همین روش استوار‌اند؛ اصحاب رضی الله عنه گفتند: یا رسول الله آن‌ها در کجا هستند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: در بیت المقدس و اطراف آن هستند.

هم‌چنین در کتاب احمد از ابی امامه روایت شده که آن‌ها در بیت المقدس هستند و کلمه "بیت" را به "المقدس" مضاف ساخته است، در کتاب طبرانی حدیث "النهدی نحوه" آمده و از ابوهریره رضی الله عنه در کتاب "الأوسط للطبرانی" روایت شده است:

«يقاتلون على أبواب دمشق وما حولها، وعلى أبواب بيت المقدس وما حوله، لا يضرهم من خذلهم ظاهرين إلى يوم القيامة» [فتح

**ترجمه:** آن‌ها بر دروازه‌های دمشق و اطراف آن و دروازه‌های بیت المقدس و اطراف آن جهاد می‌کنند؛ کسانی که می‌خواهند رسوائی را متوجه‌شان سازند؛ زبانی (ایمانی و دینی) به آن‌ها نمی‌رسانند و تا روز قیامت برحق پیروز اند.

هم‌چنین در حدیث دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لا تزال عصابة من أمتي يقاتلون على أبواب دمشق وما حولها وعلى أبواب بيت المقدس وما حولها، لا يضرهم خذلان من خذلهم  
ظاهرين على الحق إلى أن تقوم الساعة» [کنز العمال - للمتی الهندی]

**ترجمه:** مداوم بخشی از امتم بر دروازه‌های دمشق و اطراف آن و بر دروازه‌های بیت المقدس و اطراف آن می‌جنگند، رسواسازی هیچ‌کسی زبانی به آن‌ها نمی‌رساند و آن‌ها همیشه بر حق خواهند بود تا این که قیامت برپا خواهد گردید.

در مجموعه احادیثی که در مورد طائفة ظاهره وارد شده است، هرگاه تفکر عمیق شود، موارد زیر آشکار می‌شوند:

اول- گروهی که پیروز و کامیاب می‌شوند، جزء از مسلمان‌ها اند، نه همه مسلمان‌ها؛ چون واژه "طایفة" در زبان عربی به معنی بخش و یا پاره‌ی از شی و یا چیزی را گویند و هر پاره‌ی از شی را "طایفة" می‌گویند و در لغت‌نامه المحیط آمده است: (والطائفة من الشيء: القطعة منه)؛ یعنی: طائفة از شی به معنی بخشی از همان شی است.

دوم- صفتی را که این کتله دارد، عبارت از خط سیر مستقیم‌شان بر حق است و یا به عبارت دیگر، آن‌چه که الله سبحانه و تعالی دستور داده به اساس دستورات آن مستقیماً حرکت می‌کنند.

سوم- گروهی که متصف به این واقعیت‌اند، کسانی‌اند که در راه اسلام جهاد می‌کنند و به این الفاظ آماده است: «یقاتلون على الحق»، «یقاتلون على أمر الله»

چهارم- خصوصیت دیگر آن‌ها این است که آن‌ها دارای قوت و نیرو هستند که با ارتش دشمن می‌رزمند و بر آن‌ها غالب شده، آن‌ها را شکست می‌دهند و در نهایت نصرت آشکارا نصیب آن‌ها خواهد گردید. در حدیث به این الفاظ آمده است: «یقاتلون على الحق ظاهرین علی من ناوَاهم» و «یقاتلون على أمر الله قاهرين لعدوهم».

پنجم- در حدیث ذکر شده است: «گروه مذکور بر دروازه‌های دمشق و اطراف آن و بر دروازه‌های بیت المقدس و اطراف آن جنگ می‌کنند.» یعنی آن‌ها در سرزمین شام با دشمن جنگ می‌کنند و در نهایت پیروزی میدان از آن‌ها خواهد بود.

اوصاف ذکر شده فوق می‌رساند که این گروه بر اساس اسلام و ارزش‌های اسلامی و آن‌چه الله سبحانه و تعالی دستور داده استوار اند و در راه اسلام می‌جنگند و از چنان قدرت و نیروی لازم برخوردارند که دشمن را به هزیمت مشهود و آشکارا مواجه خواهند ساخت. حتمی است که دشمن مسلمانان همانا ارتش‌ها و دولت‌های کفری‌اند و گروهی که به طرف دشمن حمله می‌کنند، باید دارای ارتش کاملاً قدرتمند و قوی در دولت اسلامی باشد و لازم است تا این ارتش را خلیفه و یا فرمانده لشکر رهبری نماید که در نتیجه رهبری خلیفه، ارتش اسلام با دشمنان

می‌جنگند و دشمنان خود را شکست داده و آن‌ها را مغلوب می‌سازند. هم‌چنین این گروه از شام و اطراف آن حرکت کرده در قدم اول دولت و ارتش را در آن‌جا تأسیس می‌نمایند و سپس با دشمنان جنگ کرده آن‌ها را نیست و نابود می‌کنند. به عبارت دیگر، این فرقه یا صاحب دولت و ارتش است که به طرف دشمن حمله نموده و آن‌ها را به شکست مواجه می‌سازند و یاهم گروهی‌اند که برای ایجاد دولت اسلامی کار و فعالیت کرده و پس از ایجاد یک دولت بالای دشمن حمله نموده و دشمن را از بین خواهند برد.

اما در رابطه به واقعیت عینی این جماعه، من فکر می‌کنم که این واقعیت بر عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش صدق می‌کند که دولت را تأسیس و سپس جهاد کردند. هم‌چنان فکر می‌کنم، این مسئله بر می‌گردد به صدر اسلام و هر خلیفه و فرمانده که در دولت اسلامی با دشمنان جنگ کرده و پیروز گردیده است. می‌توانم بگویم که این واقعیت بر جهاد صلاح الدین ایوبی و لشکریانش نیز صدق می‌کند که صلیبی‌ها را شکست داد؛ هم‌چنین بر حمله قطز و بیبرس و لشکریان‌شان نیز صدق می‌کند که تاتارها را شکست دادند. هم‌چنین فکرمی‌کنم، این موضوع بر ما در حزب التحریر نیز صدق می‌کند که برای ایجاد دولت ابر قدرت اسلامی - خلافت راشده - کار و فعالیت می‌نماییم که این دولت با دشمنان کافر جنگ را آغاز و پیروزی میدان از آن‌ها خواهد بود؛ به همین‌گونه قسمی که رسول الله صلی الله علیه وسلم بشارت داده است، دولت یهود را از نقشه دنیا محو و روم فتح خواهد گردید و این مسئله‌ای است که نزد من راجح‌تر است.

اما واقعیت بیان شده در احادیث به گروهی‌های صدق نمی‌کند که دارای دولت اسلامی و ارتش نباشند؛ چون بدون دولت و ارتش نمی‌توان دولت و یا ارتش دشمن را شکست فاحش داد؛ پس گروهی‌های بدون دولت و ارتش نمی‌توانند امریکا و انگلیس را مغلوب سازند و نمی‌توانند کیان یهود را ریشه‌کن سازند.

وضاحتاً باید تذکر داد: اوصاف ذکر شده این گروه بر گروهی‌های بدون دولت و یا ارتش‌های بدون دولت محل کارایی و تطبیق ندارد؛ چون صفت گروه منصوره تنها جنگ نه؛ بلکه جنگ همراه با غلبه و پیروزی است که وجود دولت و ارتش حتمی است. گروهی‌های نظامی بدون دولت، دولت‌ها را شکست داده نمی‌توانند. هم‌چنین واقعیت بیان شده در حدیث در نبود دولت خلافت بر گروهی‌های که برای تأسیس دولت اسلامی - خلافت - کار و فعالیت ندارد، محل تطبیق ندارد؛ این‌گونه گروهی‌هایی نمی‌توانند در دل دولت و ارتش‌ها تشویش و نگرانی را ایجاد کنند. پس جنگ و غلبه بر دشمن در وجود دولت اسلامی و یا تلاش و مبارزه برای تأسیس آن که در نتیجه سبب قتال در رکاب دولت می‌گردد، هردو عمل صفت اساسی این گروه می‌باشد.

لذا وصف این گروه بر علمای حدیث و علمای اصول مطابقت نمی‌کند؛ مگر این که برای ایجاد یک دولت کار و فعالیت کنند، یا در چارچوب یک دولت با دشمن جهاد و مبارزه نموده و بالای آن‌ها مسلط شوند. اما در مورد آن‌چه که صحیح البخاری در باب قول پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته: «لا تزال طائفة من أمتي ظاهرين على الحق يقاتلون وهم أهل العلم»؛ پس جمله "وهم أهل العلم" اضافه شده از طرف مصنف است؛ نه از قول رسول الله صلی الله علیه وسلم؛ به دلیل این که علامه عسقلانی در شرح این باب در کتاب خود فتح الباری واضحاً پیوند "وهم أهل العلم" را از سخن و نظریه مصنف دانسته است.

قابل یادآوری است: هرگروهی که با اخلاص در مقابل دشمن می‌رزد، مستحق اجر و ثواب خواهد بود، چه دشمن را شکست دهد و یا ندهد. به همین شکل جنگ مخلصانه‌ی فردی با دشمن دارای اجر می‌باشد و هر مجموعه‌ای که دست به کارهای خیر می‌زند، مستحق اجر اند،

برابر است که عمل فردی باشد و یا جمعی و هر مجموعه‌ای که مصروف علوم اسلامی، اصول و یا احادیث‌اند، هرچند عمل فردی هم باشد، بازهم مستحق اجر و پاداش‌اند. پس مسئله تنها مستحق اجر و پاداش شدن نیست؛ بلکه واقعیت گروه منصوره چیزی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را بیان کرده است و تشریح درست حدیث آن چه نزد من راجح‌تر بود ذکر گردید.

اما لفظ "لايزال" به معنی بلا انقطاع نیست؛ بلکه پیروزی بر دشمن تا روز قیامت همیشه متناوب بوده، به این معنی نیست که پس از پیروزی شکست می‌آید و بار دیگر ما در مقابل دشمن پیروز نمی‌شویم؛ بلکه نصرت و پیروزی ما تا روز قیامت همیشه نوبتی خواهد بود. همین‌گونه در صدر اسلام مسلمانان پیروز شدند و پس از آن شکست‌ها و پیروزی‌ها نوبتی آمدند که مصداق همین آیه (وتلك الأيام نداولها بين الناس) می‌باشد که صلیبی‌ها آمدند؛ پس به شکست مواجه شدند، تاتارها آمدند؛ سپس به شکست مواجه گردیدند؛ سپس مسلمانان ضعیف شدند و باز قسطنطنیه را فتح و آن را اسلام‌بول نام‌گذاری کردند... و پس از آن خلافت به سقوط مواجه گردید که إن شاء الله مجدداً باز خواهد گشت و کیان یهود را از صفحه‌ی هستی محو خواهد نمود. پس از آن روم فتح خواهد گردید و گروه متذکره تا این که آخرین آن‌ها با دجال جنگ خواهند نمود؛ وجود خواهد داشت. از جمله امور قابل توجه در حدیث این است که زمانی که حضرت عیسی علیه السلام در نزدیکی قیامت فرود می‌آید، مسلمانان دارای دولت و امیر اند که پس از آن بر دشمن نصرت و غلبه می‌یابند. بناءً معنی "لايزال" به معنی قطع دائمی نه؛ بلکه به این معنی است که در دنیا همیشه امور متناوب و دوره‌ای خواهد بود که این واقعیت مانند قول رسول الله صلی الله علیه وسلم است که بخاری روایت کرده است:

### «لن يزال أمر هذه الأمة مستقيماً حتى تقوم الساعة»

**ترجمه:** حالت این امت تا روز قیامت پیوسته مستقیم و استوار خواهد بود.

استقامت امت به معنی تداوم و همیشه‌گی وضعیت نیست؛ بلکه استقامت امت در دوره‌های مختلفی از بین رفت؛ به ویژه پس از سقوط خلافت اسلامی. حدیث این معنی را افاده می‌کند که در دنیا برای همیشه استقامت امت از بین نخواهد رفت که یکبار وضعیت خراب گردد، بار دیگر بهتر نشود و یا به این معنی نیست که یکبار که خلافت سقوط کرد بار دیگر باز نگردد؛ البته واقعیت این است، هر بار که وضعیت به خرابی گراید بار دیگر بهتر می‌گردد؛ پس استقامت امت امری است که تا به روز قیامت همیشه دوره‌ای خواهد ماند.

بخش نخست پاسخ همین بود و این چیزی است که من آن را ترجیح می‌دهم؛ اما من به شکل قطعی نمی‌گویم که غیر از این تفسیر دیگری نیست؛ اما آن چه به نظرم راجح‌تر و ثواب بود، همین است.

اما بخش دوم: عملی کردن و تطبیق حدیث در زندگی؛ واجب است که با احادیث متذکره عمل کرده شود؛ قسمی که اصحاب رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و تابعین به وجه احسن به احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مسلمانان بشارت و باخبری از این امور را می‌دادند. هنگامی که حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را خواندند و شنیدند که قسطنطنیه و روم فتح خواهد گردید، مشتاق به این بودند که هر یک از آن‌ها به بشارت پیامبر صلی الله علیه وسلم در میدان عمل اقدام نماید، تا این که الله سبحانه و تعالی خواست فضل فتح قسطنطنیه را نصیب محمد فاتح نماید و پس از آن نام‌اش را اسلام‌بول گذاشت.

آن‌ها هنگامی که حدیث را شنیدند، همه‌گی جهت تحقق بخشیدن آن کوشش می‌کردند تا بادستان خود؛ هم‌چون سرزمین‌ها را فتح کنند و خیر بزرگ را که رسول الله برای فاتح آن توصیف نموده بود، به دست آرند: "چه نیکو امیر است، امیر آن‌ها و چه نیکو ارتش است، ارتش آن‌ها". حتی بسیاری از خلفاء نیروهای‌شان را به طرف قسطنطنیه می‌فرستادند تا قسطنطنیه را فتح کنند و بسیاری از بزرگان صحابه؛ مانند: ابو ایوب انصاری رضی الله تعالی عنه در تشکیل ارتش اسلامی به خاطر فتح قسطنطنیه اشتراک کردند تا به این بشارت دست پیدا کنند.

بنابر این، لازمه حدیث گروه منصوره نیز همین‌گونه است، رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما اوصاف و فضیلت‌اش را بیان کرده است که بدون شک به زودی با دشمن جنگ می‌کنند و بالای آن‌ها تسلط یافته، آن‌ها را سرکوب و نابود نموده، بگونه‌ای علنی بر آن‌ها چیره می‌شوند و این پیروزی متحقق نمی‌گردد؛ مگر در چارچوب دولت اسلامی و ارتش اسلامی. پس برماست که از هر نوع امکانات برای اقامه دولت خلافت راشده دریغ نوزیم و امید است که تا از جملهی سربازان آن ارتش باشیم که با دشمن جهاد کرده آن‌ها را شکست داده؛ چنان مغلوب سازیم که در تاریخ به یادماندنی باشد. به همین خاطر از الله سبحانه و تعالی مسألت داریم که ما از جمله گروهی باشیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم در احادیث شریف‌اش توصیف کرده است.

مهم‌ترین هدف این نیست که ما قضاوت کنیم که این گروه و این جماعه طایفه ظاهره است؛ بلکه مهم‌ترین هدف و مسئله این است که هرکسی که این گروه کامیاب را دوست دارد، در موردش تحقیق نماید و جهت تقویت این گروه و برای ایجاد دولت اسلامی کار نماید و با ارتش اسلامی ملحق شده، برای نابودی دشمن کافر؛ مانند: امریکا، بریتانیا، یهود و غیره جهاد کند و آن‌ها را از بین ببرد.

پس از همه‌ی آن‌چه بیان گردید نکته قابل تذکر این است که هدف اساسی ما قضاوت بالای گروه خاص نباشد که این از جمله طایفه ظاهره است و یا این که آن گروه مستحق نیست و ما هستیم؛ بلکه بهتر این است که هدف اساسی ما مسابقه برای تحقق اوصاف این گروه باشد تا برای تأسیس هم‌چون یک دولت و ارتش اسلامی که با دشمنان کافر؛ مانند: امریکا، انگلیس، یهود و دیگر دولت‌های کفری جهاد نماید و آن‌ها را شکست دهد، تلاش به خرج دهیم. پس کسانی که می‌خواهند از جملهی طایفه ظاهره باشند، باید برای تحقق وصف شکست دشمن و غلبه بر آن در چارچوب یک دولت اسلامی و ارتش اسلامی کار و فعالیت نمایند.

در فرجام از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم ما را از جملهی آن گروه بسازد و این که شاهد قیام دولت اسلامی -خلافت راشده- بوده و از جملهی سربازان اسلام باشیم که دشمنان مان را نابوده نموده و بالای‌شان کاملاً غلبه حاصل نمائیم.

الله سبحانه و تعالی ناصر کسانی است که دین‌اش را نصرت می‌دهند و او قوی و عزیز است.

**برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته**

**۷ رمضان ۱۴۲۵ هـ.ق**

**۲۱ اکتوبر ۲۰۰۴ م**

